

# ایران و ایرانیان در آینه مطبوعات فارسی زبان مصر

مسعود کوهستانی نژاد

## مقدمه

مقاله «ایران و ایرانیان در آینه مطبوعات فارسی زبان مصر» به موضوع نحوه انعکاس مسایل ایران در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ قمری در مطبوعات فارسی‌زبانی که در آن فاصله زمانی در مصر چاپ و منتشر می‌شد، اختصاص دارد. علاوه بر آن، در بررسی مذکور، نحوه انعکاس وضعیت کلنی‌های ایرانیان در کشورها و سرزمین‌های دیگر در آن دسته از مطبوعات نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. موضوع مورد بررسی از نظر زمانی از یک سو به سال ۱۳۱۰ قمری که اولین شماره هفته‌نامه حکمت در آن سال در مصر چاپ و منتشر شد و از سویی دیگر به سال ۱۳۳۰ قمری که پایان دوره دوم مجلس شورای ملی محدود می‌شود. محدودیت‌های مذکور، به ویژه در مورد سقف زمانی، من باب رعایت ظرفیت، حوصله و گنجایش یک مقاله، در نظر گرفته شده است. در یک حالت کلی هشت عنوان جریده فارسی زبان از اواخر دوره ناصرالدین شاه تا پایان نیمه اول قرن بیستم در مصر چاپ و منتشر می‌شده‌اند.



از این تعداد سه عنوان شامل: «رستاخیز، عصر پهلوی و سودمند» (سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۸ شمسی) خارج از حیطه زمانی مقاله حاضر می‌باشند. متقابلاً از طرفی دیگر به دلیل وجود محدودیت زمانی، شماره‌های هفته‌نامه چهره نما که پس از سال ۱۳۳۰ قمری منتشر شده، در این مقاله مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. در مجموع علاوه بر هفته‌نامه چهره نما، هفته‌نامه‌های حکمت، ثریا، پرورش و کمال مورد پژوهش قرار گرفتند. صرف‌نظر از تعداد عناوین، اهمیت، ارزش، میزان تاثیرگذاری، طول مدت انتشار، گستره انتشار جراید پنج‌گانه مذکور به نحوی است که آن‌ها را غیرقابل مقایسه با مطبوعات فارسی‌زبانی که در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا حدود ۱۳۵۰ قمری در مصر چاپ می‌شد، می‌نمایاند. بدین لحاظ با اندکی تسامح می‌توان نتایج حاصله از پژوهش حاضر را به کلیت مطبوعات فارسی‌زبان مصر، تسری داد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر، نحوه انعکاس رویدادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران در مطبوعات فارسی‌زبان مصر و متقابلاً نحوه عکس‌العمل مدیران، نویسندگان و گزارشگران آن مطبوعات در قبال رویدادهای مذکور، است. وجود عواملی هم‌چون؛ ارزش و غنای بسیار بالای مطالب چاپ شده در جراید «حکمت، ثریا، پرورش و چهره نما». حضور یکی از نامدارترین چهره مطبوعاتی تاریخ مطبوعات ایران در بین مدیران آن جراید، علی محمد خان کاشانی، طرح مباحث و دیدگاه‌های نو و بسیار زنده در آن‌ها و بالاخره نحوه برخورد معقولانه فرهنگی و غیر سیاسی مدیران و دست‌اندرکاران آن جراید با مسایل و رویدادهای ایران در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ قمری - ۱۳۳۰ قمری (اواخر دوره ناصرالدین شاه، سرتاسر دوره سلطنت مظفرالدین شاه و دوره‌های اول و دوم مجلس شورای ملی).

سبب گسترش دامنه انتشار جراید مورد بحث در بسیاری از کشورهای دیگر شد. جراید پنج‌گانه فوق در تمامی ممالکی که ایرانیان در آن زندگی می‌کردند منتشر شده و خوانندگانی داشتند. از بخارا و سمرقند تا سودان، از اروپا تا هندوستان، نسخه‌های حکمت، ثریا، پرورش و چهره‌نما (وتا حدی کمال) در





میان ایرانیان توزیع می‌شد و متقابلاً آن‌ها نیز با ارسال مکتوبات، گزارشات و اخبار به دفاتر جراید مذکور، ارتباط سازنده دو سویه‌ای را با آن جراید برقرار کرده بودند؛ ارتباطی که در نهایت کمک بزرگی به پربارتر شدن آن جراید کرد. نمونه‌هایی از وجود چنین ارتباطی را در صفحات آتی و در ذیل عناوین: «ایرانیان مقیم خارج از کشور - کلنی‌های ایرانیان» و نیز «مخاطبین» ، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

علاوه بر دو عنوان فوق، در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش حاضر (بررسی نحوه انعکاس رویدادهای ایران و ایرانیان در مطبوعات فارسی زبان مصر)، نخست نگاهی به علت انتشار مطبوعات مورد بحث از زبان مدیران آن‌ها خواهیم داشت و سپس پژوهش در چهار محور اصلی:

۱- وضعیت ایران (شاه و دربار، دولت، اوضاع اجتماعی و وضعیت کلی ایران)

۲- علل و عوامل عقب ماندگی

۳- راه‌های پیشرفت ایران

۴- و بالاخره سیاست دولت‌های اروپایی در ایران.  
ادامه خواهد یافت.

در قسمت انتهایی مقاله، نحوه انعکاس انقلاب مشروطه در مطبوعات مذکور مورد توجه قرار خواهد گرفت. همان‌گونه که قبلاً تذکر داده شد در ایام مقارن با انقلاب مشروطه و ادوار اول و دوم مجلس شورای ملی تنها دو عنوان از جراید فارسی زبان مصر منتشر می‌شدند. بدین لحاظ در قسمت آخر مقاله مزبور تنها به بررسی دو عنوان نشریه مذکور پرداخته خواهد شد. نتایج حاصله از پژوهش فوق این امکان را فراهم می‌آورد تا تصویری هر چه مناسب‌تر از جراید فوق که بخشی از مطبوعات ایران و فرهنگ ایران در عرصه جهان هستند، ترسیم شود.

متن

مطبوعات فارسی زبان منتشره در مصر (حکمت، ثریا، پرورش، کمال و چهره‌نما) ،



همچون دیگر نشریات و مطبوعات فارسی مشابه و هم‌عصر خود، به ویژه جراید منتشره در خارج از ایران، حاوی حجم زیادی از اخبار، گزارشات، مقالات، دیدگاه‌ها، تحلیل‌ها و تفسیرهای پیرامون رویدادها و وقایع هم‌زمان می‌باشند. آنچه که در میان حجم انبوه اطلاعات و متون فوق چشمگیرتر می‌نماید، توجه به ایران و ایرانیان در خلال آن‌هاست. دوری از مملکت، سبب دوری از اندیشه وطن‌خواهی و دلسوزی نسبت به کشور مادری نشد، لذا مدیران جراید مورد بحث، یکی از اهداف اولیه انتشار نشریه شان را بررسی وقایع ایران، اعلام می‌کردند. در نخستین شماره هفته‌نامه ثریا، علی محمد خان کاشانی هدف از «طبع و نشر روزنامه را، خدمت به دولت و ملت» اعلام می‌کند.<sup>۱</sup> مودب السلطان عبدالمحمد ایرانی، مدیر هفته‌نامه چهره نما نیز هدف خود از «احداث روزنامه» اش را چنین بیان می‌کند: «ما را مقصود از احداث و نشر این جریده با احساس مخاطرات شدید و زحمات و خسارت‌های عدیده، به جز در مقام انسانیت و اقتضای بشریت و صلاح اسلامیت و خدمت به دولت و ملت چیزی منظور نیست. حب وطن مقدس و اهالی آن خاک پاک و آن گوهر گرانبه تابناک که وظیفه ما هر نوع فداکاری و جان‌نثاری در حفظ و حراست و استقرار در استقلالیت اوست، وادار نمود و ذوق و اشتیاق و التهاب عصیبت افزود که جلای وطن گرام گفته و از پی حفظ حقوق وطنی و مصالح ملی، شب‌ها نخفته، اوراقی آرایش و صحیفی نمایش و از بسط مقال و مقصد و خیال شرحی، گزارش دهیم.»<sup>۲</sup> مودب السلطان در شماره‌های دیگر چهره‌نما نیز مکرراً بر این نکته تاکید کرد که «این روزنامه ملی که مبنی بر خدمات صادقانه است و مقصودش خدمت به دولت و ملت است»<sup>۳</sup> در این چارچوب مطالب مختلفی در مورد وضعیت ایران در جراید فارسی زبان مصر به چاپ می‌رسید که در ادامه مروری بر مهم‌ترین عناوین آن‌ها و نحوه بازتاب وقایع ایران در آن مطبوعات خواهیم داشت.

### شاه و دربار

یکی از جالب‌ترین موضوعاتی که در بررسی جراید فارسی زبان مصر مطرح می‌شود، نحوه انعکاس اخبار، گزارشات و دیدگاه‌های مدیران، نویسندگان و دست‌اندرکاران آن جراید، نسبت به شاه و دربار می‌باشد. در یک حالت کلی تقریباً در تمامی شماره‌های موجود از هفته‌نامه‌های: حکمت، ثریا، پرورش و چهره نما در حد فاصل سال‌های ۱۳۱۰



قمری تا ۱۳۲۴، از شاه تعریف و تمجید شده است. این موضوع نه تنها در ابعاد سیاسی و اجتماعی، بلکه حتی در بُعد نظری نیز خود را نمایان می‌سازد. مقاله «اطاعه السلطان من الایمان» که در سال ۱۳۱۷ قمری در هفته‌نامه ثریا به چاپ رسید، گویای دیدگاه مدیر وقت آن هفته‌نامه (علی محمد خان کاشانی) نسبت به اهمیت مقام سلطنت و لزوم اطاعت از آن می‌باشد. در جملات ابتدایی این مقاله می‌خوانیم: «در عهد دولت ابد مدت قوی شوکت اعلیحضرت شهرباری پدر مهربان ما ملت ایرانیان السلطان الاعظم و الخاقان الافخم السلطان (مظفرالدین شاه) روحنا فداه با وجود آن که آثار ترقی‌های گوناگونی که در هر شهر و بلده و کنار و گوشه مشاهده می‌شود بعضی از جاهلان سبک مغزان قدر این نعمت عظمی را ندانسته و بقیه جبل‌المتین اطاعه پادشاهی را از ربقه خود گسیسته [و] به طرزی از اعتراض‌های باطل و اراجیف عاطل اضاعه وقت می‌نمایند. جهل آن گروه پر اندوه آشکار است به جهت این که اگر آن جهال بر آن آیات و احادیثی که در حق فضیلت پادشاهان و اطاعت ایشان وارد شده است، مطلع می‌شدند [...] اولاً باید دانست که وجود ملوک در زمین حکمت و نعمت بزرگی است از طرف خدای تعالی بر عباد»<sup>۴</sup>

تمجید و مدح شاه و به ویژه مظفرالدین شاه در اغلب شماره‌های هفته‌نامه ثریا دیده می‌شود که نمونه جالب آن را می‌توان در خلال گزارشی جست‌وجو کرد که از برگزاری جشن مولودیه مظفرالدین شاه در قاهره برگزار شد.<sup>۵</sup> به همین منوال در هفته‌نامه پرورش نیز اخبار و گزارشات مثبتی از اقدامات مظفرالدین شاه به چاپ می‌رسید. دفاع از اقدامات شاه<sup>۶</sup>، چاپ گزارشات تایید آمیز و مثبت از سفر شاه به اروپا در سال ۱۳۱۸ قمری<sup>۷</sup> از جمله این گونه اخبار و گزارش‌ها محسوب می‌شوند.

در صفر ۱۳۲۴ قمری در خلال مقاله «سپاسگزاری» که در هفته‌نامه چهره‌نما چاپ شد، از مظفرالدین شاه بدین گونه یاد می‌شود: «پس از سپاس داور دادگر و نیایش تازی پیغمبر راهبر، ستایش فزون سزاوار پیشگاه شاهنشاه، دل آگاه جمشید دستگاه، اسکندر پایگاه، افراسیاب اورنگ هنر پرور، اسفندیار آهنگ دادگستر، خیرخواه، جهانیان پناه، سایه یزدان، گیتی ستان، خسر و بنده نو از خوش آیین، شهریار والا تبار کیا (مظفرالدین پادشاه قاجار) که بختش بانوا و تیغش برا و زندگیش جاوید گردد و اندیشه دادگستری دانش پرورش همواره زنگ نادانی از دل‌های فسرده و پژمرده برد»<sup>۸</sup>



علاوه بر شاه، شاهزادگان و ولیعهد نیز مورد تمجید قرار می‌گرفتند. مقاله مفصلی در تمجید از شاهزاده شعاع السلطنه و خدمات او در هفته‌نامه حکمت (سال ۱۳۱۶ قمری)<sup>۹</sup> و نیز ذکر یاد و تجلیل از ولیعهد محمد علی میرزا در هفته‌نامه پرورش (در سال ۱۳۱۸ قمری)<sup>۱۰</sup> نمونه‌هایی از توجه آن جرآید به شاهزادگان می‌باشند ولی بلافاصله باید افزود که تعریف و تمجید از شاه به معنای عدم بیان انتقادات نبود. در جرآید مورد بحث به مناسبت‌های مختلف و در کنار تعریف از شاه، نکات انتقادی زیادی نیز نسبت به وضعیت کشور بیان می‌شد. از جمله هنگامی که در طی سفر مظفرالدین شاه به اروپا (در سال ۱۳۱۸ قمری) گزارشات مثبتی از او در هفته‌نامه پرورش چاپ می‌شد، در یکی از شماره‌های آن هفته‌نامه و در ادامه گزارشی از آخرین اخبار سفر شاه، مقاله‌ای با عنوان «درد نگفتنی - و راز نهفتنی» چاپ شد. در این مقاله از زبان یکی از وزرا ایرانی بیان می‌شود: «ادارات دولتی] همه پریشان و هیچ یک از روی نظام و قانون نیست که در آینده امیدی در آن باشد. حتی اداراتی که در تحت اوامر خود من است و استعباد نکنی که چرا من نمی‌توانم اداره خویش را منظم نمایم زیرا زنجیر تقلب به هم وصل است. بدون خجالت و رو در بایستی می‌گویم آنچه بر سر ایران تاکنون آمده تمام از صنف نوکر است»<sup>۱۱</sup>

### دولت، وزراء، رجال سیاسی

با توجه به مطالب فوق، نحوه برخورد مطبوعات فارسی زبان مصر با دولت و وزرا را می‌توان با ذکر نمونه‌هایی، مورد بررسی قرار داد. در مندرجات مطبوعات مورد بحث هر دو گونه انتقاد و تمجید را می‌توان یافت. در اواسط سال ۱۳۱۶ قمری هنگامی که امین السلطان اتابک اعظم بار دیگر (و به جای امین الدوله) به صدر اعظمی ایران منصوب شد، در هفته‌نامه حکمت چنین خبری به چاپ رسید:

«(از تهران) از آن روزی که جناب مستطاب اشرف میرزا علی اصغر خان صدر اعظم دولت علیه ایران دوباره رشته امور را به دست کفایت و درایت خود گرفته است آثار حسن انتظام در هر کاری نمایان شده»<sup>۱۲</sup>

و در هفته‌نامه ثریا نیز در همان اوان چنین نوشته شد: «به موجب گزارش خبرنگار مخصوص ما که از تهران نوشته است پس از نصب حضرت مستطاب اشرف صدر اعظم به صدارت عظمی، در کلیه امور ملکی و مالی تغییرات و توقیرات فوق‌النهاییه که احدی



را به این درجه گمان نبود، حاصل شده و امر معاش امروز در شهر تهران از کلیه بلاد ایران سهل تر و آسان تر گردیده است. وضع و شریف، فقیر و غنی شب و روز دعا به دوام عمر و استقلال این وزیر بی نظیر می کنند.»<sup>۱۳</sup>

و بالآخره چند سال بعد، در ۱۳۲۰ قمری هنگامی که بار دیگر امین السلطان به منصب صدر اعظمی ایران برگزیده شد، در مطلبی که به جای سرمقاله در هفته نامه حکمت چاپ شد، آمده است: «آرزوی وطن، (صدر الصدور اتابکا اعظما)

می شنیدم که جان جانانی چون بدیدم هزار چندانانی

یگانه جهانی و امین اعلیحضرت همایون سلطان، درایتت کافی است و کفایتت وافی. بر کلیات قواعد ملک خیبری و بر جزئیات شئون حکومت بصیر. نظامات فرنگ را بهتر می دانی و از قوانین دول متمدنه کدام چیز است که ندانی. آری آری اگر چه یک تنی ولی یک جهان جان در ملک بدنی.»<sup>۱۴</sup>

البته تعریف های فوق، مانع از ابراز انتقادات نسبت به برخی وزرا یا برخی اقدامات دولت در مطبوعات فارسی زبان مصر، نمی شد. در سال ۱۳۱۷ قمری هنگامی که طی مقاله ای در هفته نامه حکمت از نظرات مظفرالدین شاه در مورد حمایت از حقوق زرتشتیان یزد، تمجید می شود، حکمران آن شهر به دلیل اقدامات ناشایست نسبت به زرتشتیان مورد انتقاد قرار می گیرد.<sup>۱۵</sup> در هفته نامه پرورش همان زمان که در هنگام نقل حملات روزنامه لندن به صدر اعظم ایران، از او حمایت می شود،<sup>۱۶</sup> سخت ترین و برنده ترین انتقادات نیز به همان دولت و مآلا صدر اعظم نیز ابراز می گردد. در شماره دوم پرورش در ذیل مقاله «ملاحظات سیاسی در اموریت فارس» می خوانیم: «هم گویند چرا رجال ایشان [بوئرها] به ملت و دولت خویش خیانت نکردند و رشوت نخوردند و ملک بدون جنگ تسلیم دشمن ندادند. این حرکات خاص دول شرقی عموما و اسلام خصوصا است که نه رعایت دین کنند و نه مراعات نام و ننگ»<sup>۱۷</sup>

چند ماه بعد در جمادی الاول ۱۳۱۸ قمری، علی محمد خان کاشانی مدیر هفته نامه پرورش در مقاله زیبایی با عنوان «درد نگفتنی - و راز نهفتنی» نوشت: «چنان که وقتی هیئت وزرا که عقل پادشاهانند ترقی ایران را منوط به عزل صدر اعظم و نصب امین الدوله به صدارت دانستند اعلیحضرتش قبول فرموده و چون امین الدوله صاحب این مسند شد





حفظ این مسند را مقید به شروط عدیده نمود لکن بدبختانه نتوانست از عهده کار چنان که باید برآید و با روسای ملت و امنای دولت بد افتاد (هر چند علت عدم ترقی ایران ایشان بودند) لکن به یک دست دو هندوانه نتوان برداشت، کار زمین را نکو ساختن و بعد به آسمان پرداختن باید و خلیج فارس را به بهایی بخش در پیش انگلیسان گرو گذاشت و کارها همه در عهده تاخیر و تعویق افتاده، نتیجه جز خسارت از آن حاصل نگشت. باز هیئت جامعه وزارت به عزل امین الدوله و نصب میرزا علی اصغر خان [امین السلطان] که صدر اعظم صلاح دیدند و ترقی ایران را بسته به کار دانی و کفایت او دانستند.<sup>۱۸</sup>

ولی چند ماه پس از آن در شعبان ۱۳۱۸ قمری، پس از بازگشت علی محمد خان کاشانی از اروپا، او در مقاله‌ای با عنوان «جواب مدیر»، خاطرات خود را از ملاقات و گفت‌وگویش با یکی از وزرای ایران در پاریس، هنگام سفر مظفرالدین شاه به آن شهر در همان سال، را چنین نقل می‌کند:

«وزیر به من] گفت: "یعنی به چه وسیله دولت و ملت را خادم و ذکر خیر را باعث

توانی شد؟

[علی محمد خان] گفتم: جسم معلول ایران [را] تنقیه کنم و از رگ حیات او، خون فاسد بیرون آرم و نیکو دانسته‌ام که خواب زده شرقی جز به بانگ ناقوس مطبوعات از خواب غفلت سر بر ندارد و رجال و بزرگان ایران جز به تیغ زبان جراید ادب نشوند و طریقه استبداد از دست ندهند. اگر دولت به مال همراهی کند من به جان پیش قدمی نمایم و روزنامه [ای] مانند (تان) یا (فیگارو) در پایتخت ایران احداث کنم و معایب و مفساد ملک [را] هر روز به واسطه آن به سمع پادشاه رسانم.

[وزیر] به خنده گفت: اول مودی تو من هستیم. تو می‌خواهی راه مداخل من سد کنی و عیوبات من بنمایی و ملت غافل را از استبداد و ظلم ما بیدار کنی و این خیال، همان نزد عشق بازی با دختر شاه پریان است که وقتی در ضمن مقاله مصاحبه<sup>۱۹</sup> نوشته بودی و هرگز صورت خارجی پیدا نخواهد کرد. فرض محال چنین روزنامه در تهران که خود تقریر می‌کنی احداث کردی، روز سوم اموال مطبوعه به غارت برند و بنای آن خراب کنند و معلوم نیست سر صاحبش در کجا بازی کند.

[علی محمد خان] گفتم: همه این‌ها که فرمودید صحیح است من هم نیکو می‌دانم



لکن خود در این راه فدا می‌کنم تا سد آن شکسته شود و مردم بدانند از جان گذشتن سهل است. اگر دفعه اول مطبوعه بعد از سه روز خراب شد و باقی آن معدوم گشت، دفعه دوم بعد از سه ماه خراب شود و دفعه سوم تا ابد بماند.

[ادامه خاطرات علی محمد خان] باری تا به استاند آمدیم مذاکره من در پیش رجال همه از این قبیل بود ولی روز به روز جواب‌های آن‌ها یاس مرا زیاد می‌کرد و خیالات از اوج روی به نشیب می‌آورد»<sup>۲۰</sup>

واقع‌گرایی و واقع‌نگاری خصلت حاکم بر گزارشات و اخباری است که در مجموعه جراید فارسی زبان مصر در رابطه با سلطنت، دولت و وزرا ایرانی، چاپ و منتشر می‌شده است. خبرنگاران، نویسندگان و مدیران آن جراید، ضمن رعایت برخی از موضوعاتی که به نظرشان جزو اصول می‌آمد (سلطنت و حفظ احترامات آن و معیارهای اخلاقی) نسبت به بازگو نمودن آنچه صحیح و درست می‌پنداشتند، اقدام می‌کردند. در این چارچوب یک وزیر یا صدر اعظم به طور مطلق مثبت یا منفی قلمداد نمی‌شد با آمدن یک صدر اعظم جدید امیدها برای اصلاح کار ایران و پیشرفت آن پررنگ‌تر می‌شد ولی این وضعیت مانع از بیان انتقادات نمی‌گشت. انتقادات نیز از نوع تخریب‌گرایانه شخصی نبوده و عمدتاً از سر دلسوزی و به منظور ارائه راهکارهای جدید، بیان می‌شد. نگرش سیاسی در بیان انتقادات به چشم نمی‌خورد. دوستی یا دشمنی با یک صدر اعظم، سبب بدگویی و یا مدح دیگری و یا تعریف و تمجید و انتقاد و مذمت آن‌چه که در گذشته وجود داشته، نمی‌شد. چنین وضعیتی را نیز می‌توان در گزارشات و اخباری که از وضعیت شهرها و نقاط مختلف ایران در جراید فارسی زبان مصر (حکمت، ثریا، پرورش، کمال و چهره نما) چاپ می‌شد، به عینه مشاهده کرد.

### شهرها و نقاط مختلف ایران

سیستم خبرگیری و دریافت گزارش از رویدادها و وقایع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران، عمدتاً بر مبنای اطلاعات رسیده از وقایع نگاران (یا همان خبرنگاران)، وکیل‌های فروش مطبوعات در شهرهای مختلف ایران، مخاطبین و خوانندگان جراید مورد بحث، استوار بود. در شماره ۲۴۳ هفته‌نامه حکمت اخبار و گزارشات چاپ شده به نقل از:





- «به موجب اخبار تهران که شیوع تمام در تبریز به هم رسانیده
- به موجب اخبار وقایع نگار حکمت از تهران
- به موجب خبر تلگرافی تهران»<sup>۲۱</sup>

چاپ شده‌اند. در تیتربندی اخبار و گزارش‌های مذکور برخی مواقع نکات جالبی وجود دارد؛ از آن جمله ذکر اخبار تهران در ذیل عنوان «دارالخلافة تهران»<sup>۲۲</sup> و ارائه اخبار تبریز در ذیل عنوان «دارالسلطنه تبریز»<sup>۲۳</sup> هستند. تنوع خیره کننده موضوعی گزارشاتی که از نقاط مختلف ایران در مطبوعات فارسی زبان مصر چاپ می‌شد، گنجینه‌ای از اطلاعات پیرامون ابعاد مختلف حیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مدنی و سیاسی ایران عصر مظفری را فراهم کرده و به فرهنگ دوستان ایران زمین ارائه می‌کند. گزارشاتی از قالی بافی، نقشه کشی، تصویر، عکس<sup>۲۴</sup>، مردم شناسی طبقات مختلف در شهرستان‌ها<sup>۲۵</sup>، عزاداری‌ها و سایر رسوم ملی و مذهبی<sup>۲۶</sup>، فعالیت‌های فرهنگی هم‌چون مدرسه سازی<sup>۲۷</sup> نمونه‌هایی از موضوعات مورد توجه خبرنگاران و وقایع نویسان مطبوعات فارسی زبان مصر، برای چاپ گزارش‌هایشان در آن مطبوعات، هستند. با هم مروری بر نمونه از آن گزارش‌ها (در سال ۱۳۱۶ قمری) خواهیم داشت:

«اخبار فارس: خبرنگار مخصوص ما از شیراز می‌نگارد که از پنجشنبه هفدهم این ماه تاکنون [احتمالاً رجب ۱۳۱۶ قمری] که بیست و ششم است هشت دفعه زلزله شده و دو سه دفعه شدید بوده ولی نظر به قلت مدت، خرابی و خسارتی نرسانده است. با این همه از تواتر آن، قلوب متوحش است و عموم اهالی متزلزل و مضطرب‌اند. عوام دست به دامان تولای خامس آل عبا علیه آلاف التحیه و الثناء زده و در هر کوی و برزن مشغول به روضه خوانی هستند. خواص در میان حیاط‌ها چادر زده و کمتر به اطاق‌ها عبور می‌کنند. مردم فقیر که از هر دو بی‌بهره‌اند، توکل به خدا نموده‌اند تا چه پیش آید.

صنعت قالی باقی که از صنایع نفیسه ایران است در فارس نیز شایع و دایر است چون این صنعت بزرگ خاص ایلات قشقایی و عرب بود، چنان‌که باید در نظامت و خوش نقشی آن اهتمام به عمل نیاروندند تا در این ایام جناب قوام الملک چند استاد ماهر قالی باف از کرمان خواسته و آقا میرزا آقای نقاش را که در صنعت نقاشی مهارت تامه دارد گفتند تا تصویر تخت جمشید و سایر ابنیه‌های عتیق ایران را نقش



نماید و آن‌ها را بیافند و اکنون مشغولند و عنقریب این صنعت به مدارج عالیہ ترقی خواهد رسید.<sup>۲۸</sup>

با این‌که امسال خداوند متعال شربلای مبرم ملخ را از سر اهالی دفع کرد و محصولات و مزروعات در نهایت وفور بود و زراعت برنج از سنوات سابقه به غایت بیشتر و بهتر بود معهدا در این سال حبوبات و غله از سال‌های پیش گرانتر و برنج نایاب و هیزم و ذغال قحط است و این قحط و تنگی، تمام به واسطه عمل متبکر محتکرین است و معاملات از اعلا و ادنی منحصر به احتکار است.<sup>۲۹</sup>

گزارشات متعدد دیگری از شهرها و نقاط مختلف ایران در هر شماره از شماره‌های چاپ شده مطبوعات فارسی زبان مصر وجود دارد.<sup>۳۰</sup> در این گزارشات اطلاعات بسیار جالبی از وقایع اجتماعی، سیاسی ایران ارائه شده‌اند. در گزارشی که از شهر قزوین (در صفر ۱۳۱۸ قمری توسط خبرنگار مخصوص هفته‌نامه پرورش تهیه شده) وجود دارد ضمن بیان حضور روس‌ها در شهر و فعالیت آن‌ها برای در اختیار گرفتن منابع اقتصادی آن‌جا، از کفایت و سرعت عمل روس‌ها در انجام وعده‌ها و تحقق ایده‌هایشان (ساختمان سازی و...) یاد می‌شود.<sup>۳۱</sup> در آخرین صفحه از آخرین شماره هفته‌نامه پرورش، گزارشی از وضعیت «دارالخلافه طهران» درج شده است که تصویری کاملاً مثبت از رویدادهای سیاسی و اقدامات دولت در آن ارائه می‌شود.<sup>۳۲</sup> چنین شیوه‌ای در ارائه گزارشات گاهی این توهم را به ذهن می‌آورد که نحوه انعکاس اخبار در مطبوعات فارسی زبان مصر، شباهت زیادی به نحوه انعکاس اخبار در مطبوعات چاپ شده در داخل ایران دارد. چنین وضعیتی به ویژه در هنگام مطالعه اخبار پیرامون شاه و دولت (صدر اعظم) به وجود می‌آید<sup>۳۳</sup>، ولی چنین تصویری قابل تسری به کلیت اخبار و گزارشات چاپ شده در مطبوعات فارسی زبان مصر (حکمت، ثریا، پرورش، کمال و چهره‌نما) نمی‌باشد. نمونه‌های متعددی از گزارشات و وجود دارند که در آن‌ها موارد اعتراضات و انتقادات نسبت به دولت، درج شده‌اند. تعداد این گونه گزارشات در مجموع نسبت به گزارشات که در آن‌ها از اقدامات دولت تعریف و تمجید شده است، به مراتب بیشتر می‌باشد. به عنوان نمونه به گزارش از شورش نان در تهران در ربیع الثانی ۱۳۱۸ قمری می‌توان اشاره کرد که در هفته‌نامه پرورش به چاپ رسید.<sup>۳۴</sup> در موردی مشابه، (قحطی نان در





سال ۱۳۱۷ قمری) گزارش دقیق واقعه در هفته‌نامه ثریا چاپ شد<sup>۳۵</sup> هم‌چنین اعتراضات گسترده طبقات مختلف مردم به دولت نیز در صفحات مطبوعات مورد بحث انعکاس می‌یافت. از آن جمله اعتراض علما و تجار شیرازی به فعالیت مستشاران بلژیکی در گمرکات ایران است که در شماره‌های متعددی از هفته‌نامه پرورش انعکاس پیدا کرد.<sup>۳۶</sup>

### وضعیت کلی ایران

در مجموع آن‌چه که به عنوان یک تصویر کلی از وضعیت ایران، از خلال مندرجات مطبوعات فارسی زبان مصر می‌توان به دست آورد، تصویری نسبتاً گویا و واضح از ابعاد مثبت و منفی جامعه ایران (به‌ویژه قبل مشروطه) است. این تصویر حاوی نکات بسیار دقیقی از حیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه می‌باشد. نکاتی که تنها می‌توان از خلال مندرجات مطبوعات و به ویژه مطبوعات ایرانی خارج از کشور که دچار محظوریت‌های هم‌قطاران‌شان در ایران نبودند، آن‌ها را جستجو کرد. ولی تصویر کلی فوق بیانگر چه واقعییتی است؟ پاسخ این سؤال را بهتر است در خلال یکی از صدها مقاله‌ای که در مطبوعات مورد بحث و به ویژه دو هفته‌نامه ثریا و پرورش در مورد وضعیت کلی ایران چاپ شد، جست و جو کنیم در جایی که مدیر هفته‌نامه پرورش (علی محمد خان کاشانی) در پاسخ به سئوالی در مورد ایران (سال ۱۳۱۸ قمری) می‌نویسد:

«در پنجاه سال قبل یک نفر تاجر فرنگی در ایران نبوده و تمام اراضی ترکستان تا هرات در قلمرو ایران شمرده می‌شده و در مسقط و سایر ضفاف خلیج فارس امرش نافذ بوده و بلوچستان تا سر حد پیشاور همه از آن ایران بود. امروز از ترکستان و ترکمانان ایران جز افسانه، صحبتی نیست و گاه گاه در عالم سیاسی از خط شمندفر روس در ترکستان صحبت می‌رود.

در نواحی خلیج فارس جز یکی دو بندر خراب برای ایران نمانده و آن هم چندان تنگ در آغوش انگلیس آمده که گویا منکوحه و رفیقه حیات اوست که اگر ساعتی از وی جدا شود، جانش بستانند و از بلوچستان جز اسمی برای ایران نمانده و همین قدر هست که از کرمان می‌شود به بلوچستان رفت و کلیه تجارت که روح مملکت است امروز در دست خارجه است. در پنجاه سال قبل ملت ایران هر چه بود به بافته و تافته خویش قناعت می‌کرد و ثروت هر چه بود و نبود در داخل مملکت بود و امروز اثری

از کارخانجات نساجی نمانده و همه مایلزم ملت از خارج می‌آید. در پنجاه سال قبل جمعیت ایران چهل کرور بوده و امروز هیجده کرور است. یعنی اگر درست معاینه این شخص مریض را بکنیم در پنجاه سال قبل پنجاه من بوده و امروز ده من شده. چهل من از ثقل وجود او کاهیده شده است. در پنجاه سال قبل حاکم ایالت فارس استقلال تامه داشته و دولت اجنبی نمی‌توانست در امورات داخله ایران تصرف نمایند، امروز حکمران‌های خلیج و بنادر فارس عزل و نصبشان بسته به میل سفارت انگلیس است. در این صورت چه جای شبهه باقی ماند؟ معلوم است اگر ایران به همین حالت بماند و در اوضاعش تغییری به هم نرسد، استقبال ندارد و ناچار از هم متلاشی خواهد شد.<sup>۳۷</sup>

چهار سال بعد، در صفر ۱۳۲۲ قمری، هنگامی که دومین شماره هفته‌نامه چهره‌نما منتشر شد، مقاله‌ای در آن به چاپ رسیده بود که حاوی تصویری کلی از وضعیت آن زمان ایران است. در بخشی از آن می‌خوانیم: «از سلب اختیارات و عدم مساوات و کثرت تجاوزات و اختلاف تنبیهات و ندانستن حقوق و درجات بنده‌اند (نه بر مرده بر زنده باید گریست) شخص دلشاد و شهر آباد و قلم آزاد کجاست؟ اگر دانی و بر زبان رانی، دانم غیر از ماست. اینک من در تضرع و انابه با دلی توام از غم و خونابه استغاثه نمایم و اشک حسرت بر گونه ندامت بیالایم. با این شدت نزع و سوگواری و کثرت جزع و بی‌قراری، هم‌چون زنان داغ دیده و عاشقان هجرت کشیده و غریبان مار گزیده، ندبه و زاری و نوحه و اشکباری کنم و فریاد و اسفا علیک یا وطنی، زنم. نه ازین آه شرر بارم اثری و نه ازین فریاد آتش بارم ثمری است. فطانت عقل و متانت نقل ندارم و طلاقت زبان و فصاحت بیان نیارم. حقیقت درد معلوم و طریقت علاج معدوم. وای، وای. امان خدایا امان، امان خدایا دلم ترکید.»<sup>۳۸</sup>

به راستی این چه دردی بود که از بابت آن، چنین ناله سوزناکی از لابلای صفحات مطبوعات فارسی زبان مصر، به گوش می‌رسد؟ دست اندرکاران، مدیران و نویسندگان آن مطبوعات که اغلب هزاران کیلومتر از خاک وطنشان به دور بودند، چه حقیقتی و چه واقعیتی را مشاهده می‌کردند که چنین ناله‌ای را سر داده بودند؟

آنچه کاملاً آشکار است و درس عبرتی برای آیندگان آن‌ها (در عرصه جریده نگاری) می‌توانست باشد، این بود که علیرغم وجود کاستی‌های شدید در ایران، دست اندرکاران



مطبوعات مورد بحث (حداقل تا انقلاب مشروطه) هیچ گاه از جاده ادب و اخلاق منحرف نشده و به فحاشی روی نیاورند و با وجود قدرت درک بسیار بالایشان از اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و نیز علی‌رغم وقوف به انبوهی از اخبار و اطلاعات مهم در مورد ایران و رجال و شخصیت‌های سیاسی ایرانی و هم‌چنین با وجود توانایی بر ابراز شدیدترین انتقادات و سیاه‌نمایی‌ها، تنها به سر دادن ناله‌ای بسنده کرده و هرگاه فرصتی پیش می‌آمد در خلال گزارشات و اخبار و مقالات چاپ شده در صفحات جریده‌شان، موارد کاستی‌ها و نواقص موجود در ایران را به طور اجمالی و کوتاه بیان می‌کردند.

### علل عقب ماندگی ایران

از دیدگاه مدیران مطبوعات فارسی زبان مصر، مهمترین علت عقب ماندگی ایران، جهل و نادانی و عدم پیشرفت علمی بود. در مقاله‌ای با عنوان «هل یستوی الاعمی و البصیر»، خطاب به ایران و فرزندان او، مضررات جهل بیان می‌شود:

«ای ابنای عزیز وطن: روح پدران از ما شاد نیست و بلکه دایم از حرکات و سکنات مادر غصه و عذاب الیم است. زیرا اسم مقدس مکرّم‌شان را به لوث جهالت و نادانی آلوده و نام نامی مبارکشان را به کوری و غفلت پست و بلکه یک‌باره محو کردیم و آنچه برای راحت و رفاهت ما غرس و سبز کرده بودند، پایمال جهالت کرده، ثمر نبرده و خشک کردیم. از سهل انگاری ما، در گلستان‌های علومشان خار و خس روید و از بی‌مبالاتی ما، کاخ بلند معنایشان خراب شد. وقار و عظمت و ثروتشان به نکبت و ذلت و نقارت مبدل گشت.»<sup>۳۹</sup>

جدایی و تفرقه ملت از یکدیگر، بی‌توجهی آن‌ها به مصالح و منافع گروهی و ملی و نگرش فرد گرایانه و فرد محورانه نیز از جمله مهمترین علل عقب ماندگی ایران معرفی می‌شود. در مقاله چند قسمتی «ثمره وفاق - ثمره نفاق» که در هفته‌نامه ثریا به چاپ رسید، توضیحات مفصلی در این زمینه ارائه می‌شود.<sup>۴۰</sup> از دیگر عوامل اجتماعی عقب ماندگی ایران، رشوه خواری و تبعات اقتصادی آن بود. نقش این عامل در تباهی سیستم اجتماعی و اقتصادی کشور مکررا در صفحات مختلف جراید فارسی زبان مصر، یادآوری می‌شد.<sup>۴۱</sup>

در ابعادی گسترده تر، فساد اداری حاکم بر ایران مورد توجه نویسندگان جراید مذکور





قرار می‌گیرد. از نگاه آن‌ها، فساد اداری مانع اجرای هرگونه برنامه اصلاحی توسط عقلا و خیرخواهان کشور می‌شود.<sup>۴۲</sup> در همین منظر و چشم‌انداز، ساختارهای موجود اقتصادی - اجتماعی ایران نیز یکی از موانع اساسی در رشد و پیشرفت کشور قلمداد می‌شوند. از جمله نظام تیول‌داری و ارباب رعیتی حاکم بر روستاهای کشور بود. اگر به خاطر داشته باشیم که در هنگام چاپ و انتشار مطبوعات فارسی زبان مصر (مورد نظر در این نوشتار یعنی در حدود اواخر قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم - ۱۳۱۰ قمری تا ۱۳۳۶ قمری) اکثریت قریب به اتفاق سکنه ایران در روستاها به سر برده و نظام تولیدی ایران براساس کشاورزی شکل گرفته بود، مضرات سیستم تیول‌داری را می‌توان بهتر و دقیق‌تر درک کرد. در بخشی از سلسله مقاله‌های مفصل «تیول و تیول‌داری» که در هفته‌نامه پرورش چاپ شد، می‌خوانیم:

«از روی حقیقت امروزه عمده خرابی کشور ما و بلکه راس کل خطیته، به واسطه تیول و تیول‌داری است که تشریح کشور کرده‌اند و حتی رگ و ریشه‌هایی که به اعانت هیچ‌گونه میکروسکوپی نتوان دید، در میان این و آن تقسیم گردیده، مالک تیول، مالک رقاب است ولو مالک زیال و محل تیول، مبال باشد. بدین واسطه نه دولت کما هو حقد از ظلم به رعیت مطلع است و نه رعیت از چگونگی حال دولت. نه مشخص است که در سال چه قدر از رعایا به عنوان مالیات، وجه گرفته می‌شود و نه معین است که به کجا صرف می‌گردد و در کجا می‌رود. باری این دایره تیول بدین وضع هر روز در اتساع است و نظم و قوانین آن نیز زیادت گردد و هیچ بعید نیست که چندان توسعه در این دایره پیدا شود که افراد مردم نیز مانند املاک به تیول رود، هر چند این قانون الان مجری است و چون ده و قریه تیول کسی شد متوطنین در آن به منزله بنده و برده باشند و حق شکایت از مولای خویش به دیوانخانه حکومت ندارند و اگر نیک و زشتی است ناچار باید به مولای خود عرضه کنند تا به حکم مالک رقابی آن‌چه فرمان دهد، اجرا شود. آن‌چه در امر تیول خیلی موجب انده‌اش و تعجب است همانا تعدی و اعتداء صاحب تیول است که از برای رعایای بیچاره هیچ بر جای نگذارند و در این میان پادشاهان کوچک یا لوردات و مارکیات و کونتات و طایفه نجبا و یا به اصطلاح خودمان خوانین و رجال و اشراف و اعیان، آیین مردمی و اساس عدل گستره منسوخ گردیده، کشورهای کوچک خویش



به دست خویش خراب و ویران کنند و رعایای بیچاره خود به اطراف متفرق نمایند و مزارع خضرا، خشک صحرا گردد و معمورها، مطموره شود و خلق، فوج فوج از ایران به بلاد خارجه مهاجرت نمایند»<sup>۴۳</sup>

### راه‌های پیشرفت ایران

از نظر مدیران، نویسندگان، وقایع نگاران و دست اندرکاران مطبوعات فارسی زبان مصر، همان‌گونه که ریشه عدم پیشرفت ایران، جهل، نادانی، عدم آشنایی به علوم روز و بی‌سوادی عمومی مردم بود، ضرورتاً مهمترین موضوع و عامل پیشرفت ایران، گسترش علم، سواد، دانایی و آگاهی در میان مردم می‌باشد. در مقاله بسیار عالی «لیس الانسان الا ما سعی» مدلول این آیه قرآن، بر «ثمره کوشش و دانایی، نتیجه غفلت و نادانی» اطلاق شده و در قسمتی از آن نوشته شده است: «پس ترقی و تدنی و بلندی و پستی هر قومی بسته به حرکات و سکناات و کوشش و دانایی و غفلت و نادانی خود آن قوم است و از روی تواریخ که در دست است معلوم و مبرهن گردد که هیچ قومی ترقی نکرد جز به همت و کوشش و زحمت و مشقت خود و هیچ ملتی خوار و ذلیل و مستمند علیل نشد مگر به واسطه جهالت و نادانی و کبر و غرور و تنبلی»<sup>۴۴</sup>

در همین رابطه تبلیغ و تحسین نهضت مدرسه سازی و نیز ضرورت اقداماتی برای اصلاح سیستم آموزش قدیمی ایرانی که بر مبنای مکاتب قرار داشت مطرح می‌شود. سلسله مقالات «در اصلاح وضع مکاتب ایران» که در هفته‌نامه پرورش به چاپ رسید، گویای نمونه‌ای از تلاش مدیران جراید فارسی زبان مصر جهت انجام اصلاحات و نه نابودی، سیستم‌های آموزش سنتی ایرانی است.<sup>۴۵</sup> در همین رابطه می‌توان به مقاله «علم و جهل»<sup>۴۶</sup> و نیز «نامه‌ای در تجلیل از گرایش به علم»<sup>۴۷</sup> نیز یاد کرد. علم بدون آزادی نمی‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد و در دوره مورد بحث مقاله حاضر (سال‌های ۱۳۱۰ قمری - ۱۳۲۴ قمری) مظهر آزادی در ایران، چاپ و انتشار مطبوعات محسوب می‌شد. مدیر هفته‌نامه چهره‌نما (مودب السلطان) در یادداشتی با عنوان «تشکر از معارف پروری شاهزاده معظم صدر اعظم» در مورد صدور حکم آزادی ورود هفته‌نامه چهره‌نما به ایران، نوشت: «محقق اگر قلم آزاد شد و اوراق روزنامه‌جات در نوشتن حقیقت مواخذة نشدند به زودی دوست از دشمن پیدا می‌شود و هوشیار مرد، ناهوشمند را بی‌آبرو می‌کند.





چون ممکن نیست بگوئیم خدا ما را یک سره خر خلق کرده است و قوه تمیز که اسباب پیشرفت ماست در میان ما نگذاشته است.<sup>۴۸</sup>

یکی از جالب ترین مباحثی که در رابطه با راه های پیشرفت ایران، در مطبوعات مورد بحث مطرح شد، بحث قانون و نحوه تدوین قوانین است. در مقاله ای که در یکی از شماره های هفته نامه پرورش چاپ شد، نویسنده ایرانیان را از کپی برداری از قوانین اروپایی بر حذر داشته و ضرورت تدوین قوانین بر اساس نیازهای بومی و ملی در چارچوب دانش و فهم و آداب، رسوم و عرفیات کشور را مورد تاکید داد. در بخشی از آن مقاله آمده است: «باید ما بدانیم که قوانین و قواعد و آداب و عادات ملل مختلفیه و اقوام متنوعه هرگز به یک نهج و یک سیاق نتوان بود. فرض کنیم امروز دولت ایران می خواهد در کشور خویش نظام گذارد و اجرای احکام قانون نماید، ممکن نیست که بتواند طبق النعل بالنعل به ترجمه کتب قانونیه یکی از دول فرنگستان تاسی کرد و آن قواعد و آداب را در کشور خویش جاری دارد و اگر هم به قوه جبریه بتواند آن قانون را در موقع اجرا گذارد، هرگز امور کشوری و لشکری منظم نخواهد شد و اخلال در کارها بیش از روز نخستین مشاهده خواهد گردید.»<sup>۴۹</sup>

علاوه بر موضوعات فوق، موارد دیگری نیز در پاسخ به سئوال پیرامون راه های پیشرفت ایران، در مطبوعات مورد بحث مطرح می شد که از آن جمله می توان به نقش علما و مجتهدین در تحریک مردم<sup>۵۰</sup>، تبلیغ تاریخ گرایي و عظمت و شکوه ایران در قرون قبلی از طریق نگارش مقالاتی در این زمینه<sup>۵۱</sup> و باز آفرینی سنت ها و آیین های کهن ایرانی از جمله عید نوروز، اشاره کرد.<sup>۵۲</sup> در این رابطه بی مناسبت نیست مروری بر ابیاتی از «سرود وطنی» که در یکی از شماره های هفته نامه چهره نما (در اواسط سال ۱۳۲۳ قمری) چاپ شد، داشته باشیم:

ملک و ملت ایران کرد رو به ویرانی	«تا که دانش و غیرت، شد ز جنس ایرانی
از کیانیان یکسر، تا گروه ساسانی	اولین جهانگیران، خسروان ما بودند
خوانده ای اگر تاریخ، صدق قول ما دانی	صیت سطوت ایران، بود در جهان مشهور
تا چگونه آورده، روی در پریشانی	حال بشنو احوالش، یا خبر شو از حالش
مست جام بی علمی، محو خمر نادانی	کشوری همه جاهل، ملتی همه غافل



بی نصیب و بیگانه، از مروت و مردی دیو خوی و دیوانه، در هوای نفسانی  
ظلم و جور و بی رحمی، کار منعم و مفلس کذب و فسق و بی باکی، شغل عالمی و دانی<sup>۵۳</sup>

### مداخلات کشورهای اروپایی ( به ویژه انگلیس و روسیه)

آغاز جنگ‌های ایران با روسیه و اشغال قفقاز توسط روس‌ها در زمان فتحعلی‌شاه قاجار، فصل نوینی را در سیاست‌های خارجی ایران گشود. مداخلات قدرت‌های اروپایی، به ویژه انگلیس و روسیه در ایران، یکی از معضلات همیشگی جامعه فرهنگی، سیاسی، اصلاح طلبان و سیاستمداران ایرانی در سرتاسر دوره قاجار بود. در دوره مورد بحث مقاله حاضر نیز روابط خارجی ایران به شدت تحت تأثیر و نفوذ دولت‌های روسیه و انگلستان قرار داشت. گستره نفوذ آن‌ها کلیه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی ایران را در بر می‌گرفت. در مقابل چنین واقعیتی، مطبوعات فارسی زبان مصر نمی‌توانستند سکوت کرده و یا بی تفاوتی از کنار اخبار و مطبوعاتی که در مورد مداخله خارجی‌ها در ایران، منتشر می‌شد، بگذرند. بدین لحاظ حجم قابل توجهی از هر شماره از شماره‌های مطبوعات مذکور، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، به بررسی آثار و تبعات چنین مداخلاتی در سرنوشت ایران، اختصاص می‌یافت. اخبار بی‌شمار، گزارشات متعدد، مقالات پر بار و بسیار زیاد در این باب، در مطبوعات مذکور به چاپ رسید که در ادامه نمونه‌هایی از آن‌ها ارائه می‌شود.

در مورد سیاست‌های انگلستان در ایران که تقریباً و بدون استثنا مورد مخالفت و هجوم مطبوعات فارسی زبان مصر واقع می‌شد، گزارشات و مقالات متعددی در دست است<sup>۵۴</sup>، از آن جمله می‌توان به مقاله‌ای که در سال ۱۳۱۷ قمری در مورد فتنه‌گری‌های انگلیسی‌ها در جنوب ایران، در هفته‌نامه حکمت چاپ شد، اشاره کرد. در بخشی از آن می‌خوانیم: «فی الحقیقه اهالی هیچ جا را چون کرمانیان و بلوچان ساده دل نیافتم. دسایس انگلیسان را در آن صفحات کشف کرده پس از این سیاحت طولانی وارد اصفهان شدم تا مسئله بزرگی در این جا کشف شد که مجمل او را در این عجاله نوشته و تفضیل آن را از بوشهر یا محمره خواهم نوشت. مبلغی زیاد از تفنگ‌های «موزر و مارتین» به قبایل بختیاری و غیرها در این تازگی رسیده و پول‌های زیاد هم از طرف هند به بعضی از ایلخانیان و روسای قبایل داده شده و یک نفر از مردمان بزرگ ایران را گویا فرنگیان به



زعم خود فریفته و آماده شورش نموده‌اند.»<sup>۵۵</sup>

در مورد سیاست‌های روس‌ها در ایران نیز هم‌چون سیاست انگلستان، انتقادات زیادی در مطبوعات فارسی زبان مصر چاپ و منتشر می‌شد.<sup>۵۶</sup> از جمله هنگامی که در سال ۱۳۱۶ قمری بین شرکت روسی سازنده راه شوسه رشت به قزوین با حکمران گیلان در مورد نحوه برخورد شرکت با کارگران ایرانی اختلاف افتاده و مجلس مشاوره‌ای در این خصوص، در گیلان تشکیل شد، در هفته‌نامه ثریا ضمن انعکاس خبر و گزارش مفصلی از آن واقعه، چنین نگاشته شد: «سبحان الله! ملتی که امروز به حمدالله دولت دارند و هنوز نام سلاطینشان طغرای سلاطین شرق است به چه جهت باید متحمل اجحاف و ظلم اجانب باشند و به خیالات واهی خود را ذلیل و خوار کنند. فکری هستیم این همه ترس و بیم از چیست که بر اولیای دولت ما از اسم اجانب مستولی شده، کمپانی شوسه روس در صورتی که چنین عهدنامه و قراردادی با اهالی گیلان می‌کند چه حق دارد این طور آشکارا نقض عهد نماید و بر اهالی ظلم کند و حکومت محلی مردم بیچاره را چوب‌کاری کند بدین جرم که چرا برخلاف کمپانی قیام کردید. بر حکومت واجب است موافق نظام از طرف رعیت خویش، مدافعه حقوق آن‌ها را بنماید و راضی به این خفت و خواری نگردد.»<sup>۵۷</sup>

اما در مورد سیاست کلی اروپائیان در ایران و به ویژه سیاست‌های همسو انگلیسی‌ها و روس‌ها در مورد ایران در هر پنج هفته‌نامه فارسی زبان مصر که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند، مقالات متعددی چاپ و منتشر شده است. در دیدگاه آنان، اروپائیان عموماً و انگلیس و روسیه خصوصاً در ایران هدفی جز تامین منافع بلند مدت و کوتاه مدت خود ندارند و برای دستیابی به این هدف از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند. در هفته‌نامه حکمت (سال ۱۳۱۷ قمری) طی مقاله مفصلی در مورد سیاست‌های انگلیس و روسیه در ایران و افغانستان، وصیت‌نامه پطر کبیر تزار روسیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.<sup>۵۸</sup> مدیر روزنامه ثریا (علی محمد خان کاشانی) در نخستین شماره هفته‌نامه‌اش در هنگام نقل اخبار می‌نویسد:

«از مسئله اقصی شرق - چین - اگر چه خبر درستی نیست و اروپایی‌ها همیشه اخباری که صرفه به حالشان دارد نشر داده و مابقی را نسیا نسیا می‌گذارند.»<sup>۵۹</sup>



هم‌او در هنگامی که مدیریت هفته‌نامه پرورش را به عهده داشته نیز مقالات متعددی در افشای سیاست‌های انگلیسی‌ها و روس‌ها در ایران و به ویژه در خلیج فارس، در آن هفته‌نامه چاپ کرد.<sup>۶۰</sup> و بالأخره مودب السلطان مدیر چهره نما در نخستین شماره آن هفته‌نامه، در مقاله «موانسه» رقابت روس و انگلیس در «خلیج فارس و بنادر و سواحل بحر عمان» را متذکر می‌شود.<sup>۶۱</sup>

### ایرانیان در سرزمین‌ها و کشورهای دیگر

یکی از طیف‌های اصلی مخاطبین مطبوعات فارسی زبان مصر، ایرانیانی بودند که در سرزمین‌ها و کشورهای دیگر زندگی می‌کردند. در دوره زمانی مورد بحث (سال‌های ۱۳۱۰ قمری تا ۱۳۳۰ قمری) به دلایل مختلف، تعداد زیادی از ایرانیان جلای وطن کرده و در کشورهای دیگر اقامت گزیدند. تعداد زیاد آن‌ها، وضعیت را به گونه‌ای رقم زد که در بسیاری از آن کشورها، کلنی قدرتمندی از ایرانیان مهاجر تشکیل شد. تأثیر کلنی‌های مزبور بر حوادث و رویدادهای ایران، به ویژه انقلاب مشروطه، انکارناپذیر است. این موضوع مآلاً بیانگر آشنایی مستمر آن‌ها با حوادث و وقایع ایران می‌باشد. ایرانیان ساکن در نقاط مختلف از جمله عثمانی، بین‌النهرین و هندوستان، علی‌رغم دوری از وطن، به کمک مطبوعات فارسی زبانی که در خارج از ایران چاپ و در میان آنان توزیع و منتشر می‌شد، به خوبی، و حتی بیشتر از کسانی که در داخل ایران زندگی می‌کردند، با رویدادها و حوادث سرزمین مادریشان آشنا بودند. بار اصلی آگاهی بخشی به ایرانیان مقیم خارج از کشور در سال‌های اواخر دوره ناصرالدین شاه و دوره مظفرالدین شاه به عهده مطبوعات فارسی‌زبان مصر (حکمت، ثریا، پرورش، کمال و چهره‌نما) بود. البته علاوه بر آن‌ها می‌باید از هفته‌نامه جبل‌المتین کلکته نیز یاد کرد لیکن انسجام، گستره توزیع، نزدیکی به اروپا و ایران، قدرت دید و آگاهی بخشی قوی‌تر مطبوعات فارسی زبان مصر (به ویژه هفته‌نامه‌های ثریا و پرورش)، سهم آن‌ها را در حفظ ارتباط فرهنگی ایرانیان خارج از کشور با سرزمین مادریشان، به مراتب افزون‌تر می‌ساخت.

ارتباط دایمی مخاطبین و خبرنگاران مخصوص مطبوعات فارسی زبان مصر با مدیران جراید مذکور و ارسال گزارشات متعددی از وضعیت ایرانیان در سرزمین‌های مختلف، به دفاتر آن نشریات، این امکان را فراهم ساخت تا با مروری بر آن گزارشات، بتوان



تصویری نسبتاً دقیق از وضعیت ایرانیان مهاجر ترسیم کرد. گزارشات چاپ شده از ایرانیان مقیم بین النهرین<sup>۶۲</sup> و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان مقیم هندوستان در آن جراید<sup>۶۳</sup>، را می‌توان به عنوان نمونه یادآور شد. همان‌گونه که مکتوبات مسکو<sup>۶۴</sup>، بخارا<sup>۶۵</sup> نیز بیانگر اوضاع و احوال ایرانیان مقیم روسیه و آسیای میانه هستند. در رمضان ۱۳۱۶ قمری نامه‌ای از طرف «عموم اتباع دولت علیه ایران در بادکوبه قفقاز» در شکایت از وضعیت‌شان در هفته‌نامه حکمت چاپ شد.<sup>۶۶</sup> حدود یک سال بعد نامه‌ای مشابه تحت عنوان «بادکوبه - ملاحظات سیاسی» که در هفته‌نامه ثریا به چاپ رسید، پرده از وضعیت اسفبار ایرانیان مقیم قفقاز و باکو، برداشت.<sup>۶۷</sup> نامه‌ای که در جمادی الثانی ۱۳۱۸ قمری در هفته‌نامه پرورش به چاپ رسید، این سؤال را مطرح می‌ساخت که به چه دلیل ایرانیان مقیم قفقاز تبعه روسیه می‌شوند.<sup>۶۸</sup> چند ماه بعد گزارشی از فعالیت «انجمن خیریه اسلامیة ایرانیه در باطوم در همان هفته‌نامه چاپ شد.<sup>۶۹</sup> بحث این قسمت را با مروری بر یک اعلان بسیار جالب به پایان می‌بریم اعلانی که بیانگر گستره توزیع و عمق نفوذ مطبوعات مورد بحث در میان ایرانیان خارج از کشور است. اعلان فعالیت یک مدرسه شبانه‌روزی در شهر ولادی قفقاز که در هفته‌نامه چهره‌نما چاپ شد:

«اعلانات مدرسه نوروژ در ولاد قفقاز»

(اعلان اول)

هر یک از غیرتمندان بخواهد اعانه به مدرسه (نوروژ) مبدول دارد و اسم خودش را در دفتر وکلای مدرسه ثبت نماید، می‌تواند وجه اعانه را به توسط قونسولگری ایران در ولاد قفقاز و یا حاجی شیخ علی اکبر نقی‌اف که صندوقدار مدرسه است، برسانند و به هر یک از این دو محل برات نمایند. قبض وصول بلا تاخیر خواهد رسید.

(اعلان ثانی)

هرکس بخواهد طفل خودش را به پانسیون یعنی (شبانه‌روزی) مدرسه نوروژ ولاد قفقاز بدهد از اول ماه (ایول) روسی الی اول ماه (سپتابر) باید عریضه و شهادتنامه تولد او را به اسم مدرسه نوروژ بفرستد.<sup>۷۰</sup>

**مخاطبین**

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مطبوعات فارسی زبان مصر، حفظ ارتباط مستمر آن‌ها





با مخاطبین می‌باشد در اغلب شماره‌های نشریات مزبور، سه یا چهار صفحه به چاپ نامه‌ها، نظرات و دیدگاه‌های مخاطبین اختصاص دارد. در خلال صفحات مزبور علاوه بر نظرات، موارد اصلاحی، انتقادات و ردیه‌های مخاطبین در مورد مطالب و مندرجات نشریه، مطرح می‌شد.

در یکی از شماره‌های هفته‌نامه حکمت (ذی حجه ۱۳۱۵ قمری) میرزا محمد مهدی تبریزی مدیر نشریه، از برخی اعتراضات مخاطبین به حکمت یاد کرده و می‌نویسد: «در این چند روز مکتوب چندی از بنادر فارس به اداره رسیده و این‌ها برد و قسم می‌باشند: قسم اول ما را نوید مال و منال فراوان داده به شرط این‌که از وقایع آن سامان دم نزنیم و چیزی از بد و خوب وقایع ننویسیم و نگوئیم، تا هزاران تومان سالیانه به ما عاید شود. قسم دوم هم ما را از خشم و غضب برخی از حکام و اعیان آن (بلاد که اکنون به ذکر نام‌های ایشان نمی‌پردازیم) ترسانیده و بیم می‌دهند که مبدا کردارشان را در انظار اولیای دولت علیه جلوه گر آریم که در آن وقت اداره را چشم داشت سودی از آن سامان نبوده و بلکه [با] هر گونه خدعه و نیرنگ هم در اطفای نور حکمت خواهند کوشید و از این غافلند که حکمت و حکمتیان پایه ازین بلند است که ازین گونه اقوال تغییری در افعالشان باشد.»<sup>۷۱</sup>

اما در بسیاری موارد مخاطبین مطبوعات مورد بحث، با ارسال نامه، ضمن تحسین و تمجید از مندرجات نشریه، دست اندرکاران آن‌ها را به ادامه مسیر در پیش گرفته شده، ترغیب می‌کردند. یکی از مهم‌ترین این گونه نامه‌ها که از نظر تاریخی نیز واجد ارزش مضاعف می‌باشد، نامه‌ای است که حجت الاسلام آقای نجفی، از روحانیون بلند پایه اصفهان، در سال ۱۳۱۷ قمری به علی محمد خان کاشانی مدیر هفته‌نامه ثریا نوشت. به دلیل اهمیت این نامه، مروری بر بخشی از آن خواهیم داشت:

«سواد دستخط مبارک اسلامیان پناهی جناب حجة الاسلام آقای آقا نجفی اداء الله ایام افاضاته العالی

عرض می‌شود، اگر چه مراسله از شما به داعی نرسیده ولی همواره مقالات روزنامه ملی شما را که تمام مندرجاتش مبین بر نصایح و مواظبه مشفقانه و پند و اندرز حسنه است، مطالعه و ملاحظه کرده و می‌کنم و شما را به دعای خیر همیشه متذکرم. خصوص



در فقرات شرکت اسلامی که در نمره ۳۳ و ۳۴ شرحی نوشته و کتابچه آن را درج نموده بودید، خیلی خوشوقت شدم. گمانم این است اقدام در این عمل خیر امروز به منزله جهاد است و عندالله ثواب و اجری عظیم دارد، چه ملت و امت ناحیه را از احتیاج به کفار مانع بزرگی است. چنانکه بعضی از مسلمین و معتمدین محض خدمت به اسلام تازه نظام نامه دیگر نوشته و سرمایه را که اهم مقصودشان رفاه حال فقرا و ضعفا است، کلی قرار داده‌اند»<sup>۷۲</sup>

### انقلاب مشروطه و پیامدهای آن (۱۳۳۰ - ۱۳۲۴ قمری)

بخش پایانی مقاله «ایران و ایرانیان در آئینه مطبوعات فارسی زبان مصر» را به نحوه انعکاس وقایع انقلاب مشروطه (تا سال ۱۳۳۰ قمری) در آن مطبوعات، اختصاص داده‌ایم. در فاصله زمانی مذکور تنها دو عنوان از مطبوعات مورد بحث، حکمت و چهره نما، به انتشار ادامه می‌دادند. در نتیجه، مقایسه مذکور عملاً بین مندرجات هفته‌نامه حکمت و هفته‌نامه چهره‌نما و در مورد رویدادهایی است که در فاصله سال‌های ۱۳۲۴ قمری تا ۱۳۳۰ قمری در ایران به وقوع پیوست.

با شروع انقلاب مشروطه در ایران، اخبار و گزارش‌های متعددی از آن انقلاب در هفته‌نامه‌های حکمت و چهره نما چاپ شد. در تحلیل آن وقایع، تفسیرهای متعددی نوشته، چاپ و منتشر گردید که از آن جمله می‌توان به تحلیل مفصلی که در شعبان ۱۳۲۴ قمری پیرامون سیر وقایع و رویدادهایی که منجر به پیروزی انقلاب مشروطه شد، اشاره کرد.<sup>۷۳</sup> نکته طنز آلود و جالبی که در تحلیل مذکور وجود دارد، اشاره‌ای است که به واقعه بست نشینی در سفارت انگلیس در تهران، می‌شود. در این رابطه در مقاله مذکور می‌خوانیم: «چون علما بزرگ و بعضی اعیان مجبوراً در مزار حضرت عبدالعظیم و در دارالامان قم تقرب یافته بودند، پس مابقی سفارت انگلیس را مأمن موافق یافتند زیرا چون دولت انگلیس را حکومت شوروی و دستوری بوده و در هر جامعین ضعفا و یاور دستور خوآهان است (اگر چه گربه محض رضای خدا صید موش نمی‌کند) لهذا قریب به هشت هزار نفر از سادات و طلاب و تجار و غیرهم به سفارت انگلیس پناهیده و این گروه انبوه در باغ سفارت چادرها افراشته و اقامت گزیدند.»<sup>۷۴</sup>

میرزا محمد مهدی خان زعیم الدوله مدیر هفته‌نامه حکمت در استقبال از تأسیس





مجلس شورای ملی مطالب و اشعاری در نشریه خود چاپ کرد که از آن جمله شعری در رثای تصویب قانون اساسی و فعالیت مجلس است که ابیات ابتدایی آن چنین می‌باشند:

«کشور ایران که بود بایر و ویران (عدل مظفر) نمود رشک گلستان  
امر به (شوری) نمود حضرت ایزد نغز مبین نمود سایه یزدان»<sup>۷۵</sup>

در همان زمان مودب السلطان مدیر هفته‌نامه چهره نما نیز در استقبال و گرمی داشت تاسیس مجلس شورای ملی، مقاله زیبایی با عنوان «برادران ایرانی و هموطنان عزیز» در آن هفته‌نامه چاپ کرد که بخش عمده آن به ذکر حقوقی که مجلس دارالشورای ملی «برای نوع بشر» ایجاد و اعلان کرده، اختصاص دارد. از نظر نویسنده، حقوق مزبور در هشت محور اصلی خلاصه می‌شود در مورد آزادی، در مقاله مزبور چنین نوشته شده است: «آزادی عبارت از ارتکاب هر عملی است که ضرر به دیگری نمی‌زند و بنابراین اجرای حقوق طبیعی هر شخصی محدود می‌شود به اجرای حقوق شخصیه دیگری و حدود آن معین نمی‌شود مگر به واسطه قانون».<sup>۷۶</sup>

وقایع دوره مجلس اول (شعبان ۱۳۲۴ قمری تا جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری) به طور مشروح در هفته‌نامه‌های حکمت و چهره نما انعکاس یافته و همراه با آن‌ها، تحلیل‌ها و تفسیرهای متعددی پیرامون وقایع مذکور، چاپ می‌شدند.<sup>۷۷</sup> هنگامی که واقعه فروش دختران قوچانی به ترکمانان مطرح بود، میرزا محمدمهدی خان زعیم الدوله نوشت: «به عقیده ما پس از تحقیق و ثبوت تهمت رعیت فروشی آصف‌الدوله و عبور دادن سالار مفخم بجنوردی ترکمانان را به خاک ایران و قتل شصت نفر و اسیری زنان باردار و غارت اموال آنان، باید اول این دو بزرگوار به حکم شرع انور مقتول و جسد<sup>۷۸</sup> طاهره ایشان را تشهیر کرده، بعد در هر سال و در همه ولایات ایران در روزی که قتل ایشان واقع شده است، مجسمه کاغذی از این‌ها ساخته و در آن روز مقرر، به قانون عرف وطن پرستی آتش زنند و بسوزانند. پس از قتل این دو نفر با ناموس، مجموع اموال ایشان را از منقول و ثابت ضبط کرده در میان اسرا و وراث مقتولین بالسویه تقسیم کنند، اولاد و احفاد صلبی و بطنی این دو جوانمرد را قرنا بعد قرن از حقوق مدنیه مسلوب و محروم نمایند تا مایه عبرت دیگر جوانمردان مثل ایشان گردد. اگر چه همه این مجازات و کیفرها درباره ایشان کم است ولی علی العجاله بدین‌ها اکتفا رود».<sup>۷۹</sup>



هم او در هنگام شنیدن خبر انعقاد معاهده ۱۹۰۷ بین انگلستان و روسیه در مورد تقسیم ایران، نوشت: «نمی‌دانیم حکومت سنیه ایران و (دارالشورای مقدس) پس از تبلیغ نصوص این معاهده، مواد آن را چگونه تأویل کردند که به موجب اخبار تلگراف‌ها (حکومت و اعضا مجلس شوری را اطمینان قلبی از این معاهده حاصل شد.) جای کدام اطمینان در نصوص بندهای این اتفاق نامه برای ایرانیان باقی ماند؟ دیگر چه شرف و ناموس برای ملت بدبخت و حکومت مغفله ایران با این معاهده دولتین به جا ماند؟ آیا با بودن سلطنت چندین هزار ساله، تقسیم مناطق نفوذ سیاسی و تجاریه میان دولتین را بتوان دلیل استقلال شمرد؟»<sup>۸۰</sup>

در مورد وقایع سیاسی داخلی و منازعات بین مشروطه طلبان با مشروعه خواهان، هر دو هفته‌نامه حکمت و چهره نما به شدت از مشروطه طلبان دفاع کرده و مقالات و تحلیل‌های متعددی بر ضد مشروعه خواهان و به ویژه شیخ فضل الله نوری، در آن نشریات چاپ و منتشر شدند.<sup>۸۱</sup> در مورد محمد علی شاه، در هنگام تاجگذاری او در ذی حجه ۱۳۲۴ قمری، مدیر هفته‌نامه حکمت نوشت:

«چو رفت پدر پسر بماناد

بزرگترین حضرات معظم لهم خورشید تابان سپهر سلطنت، مایه امید ملت، فروغ دیده امت، وارث کیان، اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران پدر مهربان ایرانیان، محمد علی شاه که از سن صباوت در سایه پدر بزرگوارش [مظفرالدین شاه] به تعلیم و تدریس پرداخته از استعداد طبیعی که خدای در نهادش گذارده است لغت پارسی و ادبیات آن را با لغت عرب و ادبیات آن به خوبی بیاموخت. از علم (اصول و فقه) هم برخوردار شد. پس به تحریض باب نامدارش به تحصیل لغات (روس و فرانسه و انگلیس) پرداخت و از ریاضیات و فن اصول عسگریه بهره فراوان برد. الان این پادشاه دل آگاه به پارسی و ترکی و عربی و روسی و فرانسه و انگلیسی سخن گوید. در ملت دوستی و حسن اداره کشور داری نیز در این مدت ده سال ولایت عهد، استعداد فعلی و حسن خلق پادشاهانه‌اش منظور و مشهود یگانه و بیگانه است. خوشنودی و رغبت صمیمی همایونش درباره (دستور و مجلس شورای ملی) از تبریز و تهران در صحائف (حکمت) در شماره‌های متعدد واضح و مبرهن است.»<sup>۸۲</sup>



ولی حدود یک سال و نیم بعد، پس از شنیدن خبر به توپ بستن و انحلال اولین دوره مجلس در مقاله‌ای با عنوان «افسانه تازه و یا رسوایی دولت شش هزار ساله، فضیحت بار آوردن درباریان و ریختن خون ایرانیان»، مدیر هفته‌نامه حکمت ضمن برشمردن خدمات محمد علی شاه به کشور و مشروطه (در هنگام ولیعهدی و هنگام سلطنت) ضمن ملامت این اقدام، علل اصلی دستور محمد علی شاه در حمله به مجلس را نفاق درباریان و اقدامات مخالفین مشروطه در مشوب کردن خاطر شاه از مجلس و نیز اقدامات بی‌رویه و تندروی برخی از انجمن‌های سیاسی، ذکر می‌کند.<sup>۸۳</sup> این تحلیل را شاید بتوان نمونه بسیار جالبی از نحوه تحلیل همه جانبه نگر در تفسیر وقایع و رویدادهای سیاسی قلمداد کرد. انعکاس واقعه به توپ بستن مجلس شورای ملی در هفته‌نامه چهره نما، شامل عرض تسلیت به مناسبت واقعه، شرح واقعه و نوشته طنز آلودی در هزل مخالفین مشروطه و احتمالاً محمد علی شاه است. در صفحه اول شماره موردنظر هفته‌نامه چهره نما می‌خوانیم: «انا لله و انا الیه راجعون.

از قتل ابناء وطن خلق جهان بگریسته با چشم وجدانی نگر کون مکان بگریسته  
 از قیروان تا قیروان مهموم بر ایرانیان شاه مظفر خون فشان اندر جنان بگریسته  
 از این مصیبت بزرگ که پشت اسلام و کمر ایران را شکست یک‌جا آب چشم و ملاد  
 ما را خشکانید که قوه تسلیت و یارای تعزیت گفتن دیگران را نداریم.»<sup>۸۴</sup>

در فاصله جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری تا جمادی الثانی ۱۳۲۷ قمری، به دلیل عدم چاپ منظم مطبوعات در ایران، اخبار و گزارشات مفصل چاپ شده از اوضاع ایران در مطبوعات فارسی زبان خارج از کشور ارزش و اهمیتی مضاعف می‌یابد. در این راستا مندرجات شماره‌های هفته‌نامه‌های حکمت و چهره نما نیز که در فاصله زمانی فوق منتشر شده‌اند، حاوی اطلاعات جالبی از وقایع و بحران‌های کشور هستند.<sup>۸۵</sup> مروری مختصر بر فهرست مندرجات دو شماره از هفته‌نامه چهره نما، تصویری از محتویات نشریه مذکور در آن ایام را ارائه می‌دهد.

فهرست مندرجات شماره ۵۹ سال پنجم هفته‌نامه چهره‌نما (غره رمضان ۱۳۲۶ قمری):

«عذر مسموع - حیات جدید عثمانی یا سکنه سیاسی آلمان - از انگلیس - تهران  
 - اصفهان - چهره نما - بوشهر - یزد - چهره‌نما - بندر لنگه - مکتوب از اسلامبول



- تلگراف اول سفارت - تلگراف دوم سفارت - جواب تلگراف اول از وزارت خارجه  
 - تلگراف چهارم سفارت - خطابه ایرانیان اسلامبول - تلگراف از جلفا به اسلامبول  
 - حلب - چهره نما - شیراز- مسافرت - روسیه - متفرقه - تلگرافات مهمه.»  
 فهرست مندرجات شماره ۳ سال ششم هفته نامه چهره نما (غره صفر ۱۳۲۷ قمری):

«انا لله و انا اليه راجعون - حیرت یا فتوت - نقل از گرامی روزنامه مساوات - نقل  
 از گرامی روزنامه صوراسرافیل - نقل از گرامی روزنامه اصلاح - تلگراف رکن الدوله  
 حاکم مشهد به تهران - جواب مشیر السلطنه صدر اعظم - جواب امیر بهادر جنگ  
 سپهسالار به مشهد - ایضا تلگراف رکن الدوله از مشهد به تهران - چهره نما - نقل  
 از روزنامه شریفه مظفری یا ناله ملت - چهره نما - مکتوب شهری یا تنقید مندرجات  
 شمس - نقل از گرامی روزنامه جبل المئین - عکس جناب آقای حاجی میرزا یحیی  
 - تلگراف خجالت اتساف حاج ملا محمد خمami رشتی به تبریز - چهره نما - جواب  
 تلگراف حاجی خمami از طرف جناب ستار خان سردار ملی - وقایع جانگداز اصفهان  
 - اسلامبول - چهره نما - ترجمان از جراید اتفاق و ترقی - تلگراف از لندن - مکتوب  
 از جدّه - تهران - ایران یا یک خرمن سوزان - اسکندریه - جواب و سؤال با آقا میرزا  
 آقا - چهره نما.»

پس از فتح تهران توسط مجاهدین در جمادی الثانی ۱۳۲۷ قمری، یک شماره از  
 هفته نامه حکمت به بررسی این موضوع و علل و عوامل وقایع پس از انحلال مجلس اول،  
 اختصاص یافت. آن شماره از هفته نامه حکمت با چنین عباراتی آغاز می شود:

زنده باد ایران و سرداران ایران زنده باد      زنده باد اسلامیان و پیشوایان زنده باد  
 این همایون (مجلس شورای ملی) در جهان      استوار و فرخنده و پاینده باد  
 از ۱۳۱۵ [سال] پیش [تاکنون] دولت چندین هزار ساله ایران پس از تسلط اعراب  
 بر آن کشور پاک، در زیر فشار چندین زمامداران ترک و ترکمان و مغول فشرده و  
 فشرده بود مگر دو خاندان یکی (سامانیان) که از نژاد (کیان) و (زندیان) که اینان از تبار  
 (ساسانیان) اند و این اضطهاد و استبداد بیود تا دو استقراض روسی با آن شروط فاضح و  
 سنگین و اسفار فرنگ مرحوم مظفرالدین [شاه] رفتار و کردار همراهان او در اروپا، احرار  
 وطن را از دور و نزدیک دلخون و به اندیشه ها ساخت.<sup>۸۶</sup> و در هفته نامه چهره نما به



همان مناسبت چنین نگاشته شد:

«من لم يشكر الناس لم يشكر الله.

هر که شکر نعمت مردم گذاشت

نعمت حق را کجا او پاس داشت.

اینک که به حمدالله از اقدامات خدا و خلق پسندانه مجاهدین ساحت سعادت مساحت وطن عزیز از لوٹ وجود طرفداران ظلم و اعتساف و خاموش کنندگان شعله عدل و انصاف پاک گردید قلم عاثر «چهره نما» به تجدید تشکر مسماع جهانیان را تبشیر می نماید.<sup>۸۷</sup>

پس از برقراری مجدد مشروطیت و شروع به کار دومین دوره مجلس شورای ملی مندرجات هفته‌نامه‌های حکمت و چهره نما، بیش از پیش پیرامون وقایع و رویدادهای ایران به رشته تحریر درآمدند. آنچه که از مروری بر مطالب چاپ شده در شماره‌های آن دو هفته‌نامه در فاصله جمادی الثانی ۱۳۲۷ قمری تا محرم ۱۳۳۰ قمری، مستفاد می‌شود، وجود نوعی بی طرفی حاکم بر فضای آن دو نشریه است. این موضوع را در خلال سرمقاله «از جهاد اصغر به جهاد اکبر برگشتیم». که در رمضان ۱۳۲۷ قمری در هفته‌نامه حکمت چاپ شد،<sup>۸۸</sup> می‌توان به نیکی دریافت؛ همان‌گونه که در بحران‌های سیاسی داخلی (از جمله وقایع پارک اتابک در رجب ۱۳۲۸ قمری) نیز چنین بی طرفی رعایت گردیده و اخبار و گزارشات مربوط به هر دو جناح سیاسی آن زمان ایران در هفته‌نامه‌های مذکور چاپ می‌شد. از سویی دیگر ضدیت با دخالت کشورهای خارجی در ایران، خصیلتی که از ابتدای چاپ و انتشار هفته‌نامه‌های مورد بحث در آن‌ها دیده می‌شود، در تحلیل وقایع و رویدادهای سال‌های ۱۳۲۷ قمری - ۱۳۳۰ قمری به نحو بارزی آشکار گشته و حجم قابل توجهی از مندرجات شماره‌های مختلف آن نشریات به بیان و آشکارسازی مداخلات خارجی‌ها در ایران و تبعات آن اختصاص یافته است.

### جمع‌بندی نهایی

تصویر ایران و ایرانیان در آئینه مطبوعات فارسی زبان مصر، تصویری نسبتاً گویا و شاید گویاترین تصویر از ایران و ایرانیان در سال‌های ۱۳۱۰ قمری تا ۱۳۳۰ قمری باشد. به دلایل گوناگون که مهم‌ترین آن حضور بزرگان جریده نگاری ایرانی در مصر است، از نظر غنای مطالب، گستره موضوعی وافق دید دست اندرکاران، مدیران، نویسندگان





و وقایع‌نگاران، مندرجات آن نشریات دارای کیفیتی بالا و واجد درصد زیادی از واقع‌نگاری در گزارشات و اخبار و تحلیل‌های ارائه شده نسبت به آنچه که در ایران و میان ایرانیان رخ داده، هستند. ایجاد چنین وضعیتی، بالاخص به شیوه و منش برخورد مدیران دست‌اندرکاران آن جراید با موضوعات مطرح شده، ارتباط می‌یابد. نگاه و نگرش آنان، نگرش فرهنگی است. در چنین دیدگاهی تقریباً هیچ‌گاه بد مطلق وجود ندارد؛ در کنار نقاط قوت، نقاط ضعفی هم وجود دارند که برای پیشرفت هر چه بیشتر جامعه، لاجرم آن‌ها نیز باید مورد پژوهش و کاوش قرار گیرند و متقابلاً بیان نقاط ضعف هیچ‌گاه به تاریخ‌نگاری و منفی‌بافی مطلق از اوضاع ایران (نظیر آنچه که در الواح «قانون» ملکم‌خان مشاهده می‌شود) منجر نمی‌شود. بیان نقاط ضعف و کاستی‌ها، عموماً همراه با یادآوری نقاط مثبت و یا در جهت حرکت به سمت ترمیم خرابی‌ها انجام می‌شود. در چنین دیدگاه، اطلاع‌رسانی و اطلاعات و گزارشات و اخبار ارزش می‌یابد؛ صحت و واقع‌نگاری آن‌ها سنگ بنایی برای قضاوت‌ها، ارائه رهنمودها و رفتارهای متقابل با جامعه مخاطب است. از این منظر، مطبوعات فارسی‌زبان مصر و به ویژه دو جریده هفته‌نامه ثریا (به مدیریت علی محمد خان کاشانی) و هفته‌نامه پرورش قله‌هایی را در تاریخ مطبوعات ایران تشکیل داده و آئینه‌هایی قدرتمند را در پیش روی جامعه ایران قرار دادند تا تصویر واقعی خود را در آن مشاهده کنند. ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



منابع:

- ۱- هفته‌نامه ثریا، ش ۱، ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۱۶ قمری، ص ۱۶.
- ۲- چهره نما، ش ۱، س ۱، سلخ محرم ۱۳۲۲ قمری، ص ۳.
- ۳- همان. صفحه ۱۶
- ۴- هفته‌نامه ثریا، ش ۴۶، ۳ جمادی الاول [در اصل ربیع الثانی] ۱۳۱۷ قمری، صص ۱۳-۱۵
- ۵- همان، ش ۲، ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۱۶ قمری، صص ۲۰.
- مشابه آن را می‌توان در گزارشی از برگزاری «عبد مولود اعلیحضرت شاهنشاهی در اسکندریه» که در شماره ۹ (مورخ غره رجب ۱۳۲۲ قمری صص ۵۰) هفته‌نامه چهره نما چاپ شد، جستجو کرد.
- ۶- از جمله در: هفته‌نامه پرورش، ش ۴، ۵ ربیع الاول ۱۳۱۸ قمری، صص ۸ و ۷.
- ۷- از جمله رک: همان، ش ۵، ۱۲ ربیع الاول ۱۳۱۸ قمری، صص ۷-۵ و همان، ش ۷، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۸ قمری، صص ۸-۲.
- مشابه گزارشات فوق را هم چنین می‌توان در منابع زیر نیز یافت:
- هفته‌نامه کمال، ش ۳، ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۳ قمری، صص ۱ و ۲
- هفته‌نامه حکمت، ش ۸۳۳، غره رجب ۱۳۲۰ قمری، صص ۱۲-۱۰ هم چنین در یک نمونه بسیار جالب گزار دقیق از واقعه سو قصد به مظفردالدین شاه در پاریس (سال ۱۳۱۸ قمری) که حاوی جملات متعددی در ملامت ترور کننده بود، در شماره ۹ (مورخ ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۱۸ قمری، صص ۳ و ۴) هفته‌نامه پرورش چاپ شد.
- ۸- هفته‌نامه چهره‌نما، ش ۱۳، س ۲، غره صفر ۱۳۲۴ قمری، ص ۳.
- ۹- هفته‌نامه حکمت، ش ۲۶۱، ۱۵ رمضان ۱۳۱۶ قمری، صص ۴ و ۵.
- ۱۰- هفته‌نامه پرورش، ش ۲۰، ۱۲ رجب ۱۳۱۸ قمری، صص ۱۴ و ۱۵.
- ۱۱- همان، ش ۱۴، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۱۸ قمری، ص ۱۰.
- ۱۲- هفته‌نامه حکمت، ش ۲۵۵، ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۱۶ قمری، ص ۵.
- ۱۳- هفته‌نامه ثریا، ش ۳، س ۱، ۲۸ جمادی الاخر ۱۳۱۶ قمری، ص ۷.
- ۱۴- هفته‌نامه حکمت، ش ۸۳۴، ۱۵ رجب ۱۳۲۰ قمری، ص ۱.
- ۱۵- همان، ش ۲۷۰، ۱۰ ربیع الاول ۱۳۱۷ قمری، صص ۵ و ۴.
- ۱۶- هفته‌نامه پرورش، ش ۴، ۵ ربیع الاول ۱۳۱۸ قمری، صص ۵ و ۶.
- ۱۷- همان، ش ۲، ۱۷ صفر ۱۳۱۸ قمری، ص ۱۴.
- ۱۸- هفته‌نامه پرورش، ش ۹، س ۱، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۱۸ قمری، ص ۹.
- ۱۹- مقصود سلسله مقاله «مصاحبه» است که شماره‌های اولیه آن در هفته‌نامه ثریا هنگامی که مدیریت آن را علی محمد خان کاشانی نویسنده مقاله‌های مذکور، به عهده داشت، چاپ شدند و ادامه آن‌ها در اولین شماره‌های



هفته‌نامه پرورش به چاپ رسید.

۲۰- همان، ش ۲۳، س ۱، ۴ شعبان ۱۳۱۸ قمری، صص ۶و۵.

۲۱- هفته‌نامه حکمت، ش ۳۴۳، ۹ ذی حجه ۱۳۱۵ قمری، صص ۹و۸.

۲۲- هفته‌نامه ثریا، ش ۳۰، ۱۰ محرم ۱۳۱۷ قمری، ص ۳.

۲۳- همان، ش ۳۶، ۲۲ صفر ۱۳۱۷ قمری، صص ۷و۶.

۲۴- از جمله در هفته‌نامه حکمت، ش ۲۶۱، ۱۵ رمضان ۱۳۱۶ قمری، ص ۸.

۲۵- از جمله در هفته‌نامه پرورش، ش ۱۹، س ۱، ۵ رجب ۱۳۱۸ قمری، ص ۱۱و۱۰.

۲۶- از جمله در هفته‌نامه چهره نما، ش ۱، سلخ محرم ۱۳۲۲ قمری، ص ۱۰و۹.

۲۷- از جمله در هفته‌نامه پرورش، ش ۱۰، ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۱۸ قمری، صص ۸و۷.

۲۸- تاکید از نگارنده است.

۲۹- هفته‌نامه ثریا، ش ۱۲، ۲ رمضان ۱۳۱۶ قمری، صص ۹و۸.

حیف است ادامه عبارات گزارش فوق که انتقاد مدیر هفته‌نامه ثریا (علی محمد خان کاشانی) از وضعیت به وجود آمده در خصوص کمبود غله در فارس است، را نخوانیم. چنین شیوه‌ای از انتقاد می‌تواند سرمشقی برای دیگر روزنامه‌نگاران در ارائه انتقادات صحیح و درستی شیوه انتقاد در حوزه‌های اجتماعی - اقتصادی، باشد. در ادامه گزارش فوق می‌خوانیم: «ثریا: سبحان الله! خالق به ما رحم می‌کند و بلاهای مبرم را از ما به رأفت و شفقت دفع می‌فرماید و ما به خود رحم نمی‌کنیم و برای جزئی منفعت شخصی جان جمعی بندگان خدا را در معرض خطر می‌اندازیم و هیچ در فکر سو عاقبت و در خیال وخامت نتججت آن نیستیم. ملل خارجه میلیون‌ها مصروف می‌دارند که بینوایان را به‌نوا رساند و درماندگان و فقرا را دستگیری کنند ما مال خویش را حبس می‌کنیم و به امید آن که شاید چند شاهی گران بفروشیم خلقی بیچاره را گرسنه می‌خوابانیم و هنوز مسلمانیم و تسبیح در دست (وقنا عذاب النار) می‌گوییم و با این عمل چشم مرحمت از درگاه عالم‌السر و الخفیات داریم. زهی جهالت و نادانی و بی‌مروتی و ناهنجاری!! امیدواریم ایالت کبری که همواره همت در رفاه حال اهالی مبذول می‌دارد در تدارک این کار نیز بکوشد و محترکین را به جرم این عمل کیفر نماید که عندالله اجری و ثوابی عظیم دارد و خداوند عزوجل را خوش آید.»

۳۰- از آن جمله رک: هفته‌نامه ثریا، ش ۴۱، ۲۸ ربیع الاول ۱۳۱۷ قمری، صص ۵-۳.

هفته‌نامه چهره نما، ش ۲۵، س ۲، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری، ص ۱۰.

هفته‌نامه کمال، ش ۵، س ۳، ۲۰ جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری، ص ۳.

۳۱- هفته‌نامه پرورش، ش ۲، ۱۷ صفر ۱۳۱۸ قمری، صص ۹و۸.

۳۲- همان، ش ۳۳، ۴ ذی حجه ۱۳۱۸ قمری، ص ۱۶.

۳۳- به عنوان نمونه رک: هفته‌نامه حکمت، ش ۳۴۳، نهم ذی الحجه ۱۳۱۵ قمری، صص ۱۱-۹.

۳۴- هفته‌نامه پرورش، ش ۹، ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۱۸ قمری، صص ۵و۴.



- ۳۵- هفته‌نامه ثریا، ش ۸، ۲، ۶ شعبان ۱۳۱۷ قمری، صص ۷ و ۲.
- ۳۶- از جمله: هفته‌نامه پرورش، ش ۹، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۸ قمری، صص ۷ و ۶. همان، ش ۱۴، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۱۸ قمری، صص ۷ و ۶.
- ۳۷- هفته‌نامه پرورش، ش ۲۲، ۲۶ رجب ۱۳۱۸ قمری، صص ۶.
- ۳۸- هفته‌نامه چهره نما، ش ۲، ۱۵ صفر ۱۳۲۲ قمری، صص ۱۵ و ۱۴.
- ۳۹- هفته‌نامه ثریا، ش ۱۱، ۲۶ شعبان ۱۳۱۶ قمری، صص ۱۳.
- هم‌چنین در این زمینه نگاه کنید به مقاله بسیار زیبایی در وصف قلم با عنوان «بای ذنب قتل» در هفته‌نامه پرورش، ش ۳۰، ۲۱ ش وال ۱۳۱۸ قمری، صص ۸-۱۰ و نیز: هفته‌نامه کمال، ش ۳، ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۳ قمری، صص ۸-۵.
- ۴۰- هفته‌نامه ثریا، ش ۲۰، ۲۹ شوال ۱۳۱۶ قمری، صص ۱۱-۱۳.
- و هم‌چنین رک: همان، ش ۲۶، ۲۲ صفر ۱۳۱۷ قمری، صص ۷-۹.
- و نیز هفته‌نامه کمال، ش ۹، ۳، اول شعبان ۱۳۲۳ قمری، صص ۳ و ۲.
- ۴۱- از جمله در هفته‌نامه ثریا، ش ۴۴، ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۱۷ قمری، صص ۱۴-۱۶.
- ۴۲- همان، ش ۲۲، ۱۳ ذی قعدة ۱۳۱۶ قمری، صص ۵-۷.
- ۴۳- هفته‌نامه پرورش، ش ۳، ۲۵ صفر ۱۳۱۸ قمری، صص ۱۴-۱۶.
- هم‌چنین رک: همان، ش ۸، ۳ ربیع الثانی ۱۳۱۸ قمری، صص ۱۳-۱۵ در دیگر زمینه‌ها نیز رک: هفته‌نامه ثریا، ش ۲۴، ۲، ۲۸ ذی حجه ۱۳۱۷ قمری، صص ۲ و نیز: هفته‌نامه پرورش، ش ۱۰، ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۱۸ قمری، صص ۳ و ۲. و نیز: هفته‌نامه کمال، ش ۵، ۳، جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری، صص ۵-۸.
- ۴۴- هفته‌نامه پرورش، ش ۱۳، ۸ جمادی الاول ۱۳۱۸ قمری، صص ۱.
- ۴۵- همان، ش ۱۷، ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۱۸ قمری، صص ۷-۱۰ و شماره‌های بعد.
- ۴۶- هفته‌نامه ثریا، ش ۱۹، ۲۲ شوال ۱۳۱۶ قمری، صص ۱۲-۱۴.
- ۴۷- همان، ش ۱۳، ۹ رمضان ۱۳۱۶ قمری، صص ۱۵.
- هم‌چنین رک: هفته‌نامه کمال، ش ۳، ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۳ قمری، صص ۶.
- ۴۸- هفته‌نامه چهره نما، ش ۱۴، ۱، ۱۵ رمضان ۱۳۲۲ قمری، صص ۹ و ۸.
- ۴۹- هفته‌نامه پرورش، ش ۳، ۲۵ صفر ۱۳۱۸ قمری، صص ۱۳.
- ۵۰- از جمله در: هفته‌نامه ثریا، ش ۵۱، ۹ جمادی الثانی ۱۳۱۷ قمری، صص ۱۰-۱۶ و هفته‌نامه چهره نما، ش ۹، ۱، غره رجب ۱۳۲۲ قمری، صص ۶-۹.
- ۵۱- از جمله در هفته‌نامه چهره‌نما، ش ۱، ۱، سلخ محرم ۱۳۲۲ قمری، صص ۹-۱۱ و شماره‌های بعد.
- ۵۲- همان، ش ۱۳، ۲، غره صفر ۱۳۲۴ قمری، صص ۴.



۵۳- هفته نام چهره نما، ش ۱، ۲، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری، ص ۹.  
هم‌چنین برای آگاهی از دیگر مقالات مشابه رک: هفته‌نامه پرورش، ش ۲۱، ۱۹ رجب ۱۳۱۸ قمری، صص ۴-۷ (پاسخ به سئوالات) شماره‌های بعد. به ویژه مقالات جذاب و فوق‌العاده «مصاحبه» که تعدادی از آن‌ها در آخرین شماره‌های هفته‌نامه ثریا (به مدیریت علی محمدخان کاشانی) و تعدادی دیگر در نخستین شماره‌های هفته‌نامه پرورش چاپ و منتشر شدند.

۵۴- از آن جمله می‌توان به منبع زیر اشاره کرد:

- هفته‌نامه حکمت، ش ۲۴۳، ۹ ذی حجه ۱۳۱۵ قمری، صص ۵-۷.

- همان، ش ۲۴۵، ۴ محرم ۱۳۱۶ قمری، صص ۱ و ۲.

- هفته‌نامه ثریا، ش ۲، ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۱۶ قمری، ص ۸

۵۵- هفته‌نامه حکمت، ش ۲۷۰، ۱۰ ربیع الاول ۱۳۱۷ قمری، ص ۷.

۵۶- از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: - هفته‌نامه پرورش، ش ۹، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۸ قمری،

صص ۱۳ و ۱۴ و - هفته‌نامه حکمت، ش ۸۳۳، ۸ رجب ۱۳۲۰ قمری، صص ۶-۱۰ و هفته‌نامه کمال ش ۴، س ۳،

۱۰ جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری، صص ۱ و ۲

۵۷- هفته‌نامه ثریا، ش ۲۱، ۶ ذی قعدة ۱۳۱۶ قمری، ص ۷.

۵۸- هفته‌نامه حکمت، ش ۲۸۳، ۲۰ رجب ۱۳۱۷ قمری، صص ۱-۱۰.

۵۹- هفته‌نامه ثریا، ش ۱، ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۱۶ قمری، ص ۴.

۶۰- از جمله رک: هفته‌نامه پرورش، ش ۷، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۸ قمری، صص ۸-۱۲.

۶۱- هفته‌نامه چهره نما، ش ۱، س ۱، سلخ محرم ۱۳۲۲ قمری، ص ۹.

۶۲- از جمله در هفته‌نامه پرورش، ش ۱۱، ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۱۸ قمری، صص ۹ و ۱۰

و نیز همان، ش ۱۴، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۱۸ قمری، صص ۵ و ۶.

۶۳- از جمله در هفته‌نامه حکمت، ش ۲۴۷، ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۱۶ قمری، صص ۶ و ۷.

۶۴- از جمله در هفته‌نامه چهره نما، ش ۱۴، س ۱، ۱۵ رمضان ۱۳۲۲ قمری، ص ۱۱.

۶۵- از جمله در هفته‌نامه پرورش، ش ۲۰، ۱۲ رجب ۱۳۱۸ قمری، صص ۶ و ۷.

۶۶- هفته‌نامه حکمت، ش ۲۶۱، ۱۵ رمضان ۱۳۱۶ قمری، ص ۷.

۶۷- هفته‌نامه ثریا، ش ۱، ۲، ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۱۷ قمری، صص ۱۱-۱۴.

۶۸- هفته‌نامه پرورش، ش ۱۸، ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۱۸ قمری، صص ۱۱-۱۳ و شماره‌های بعد.

۶۹- همان، ش ۳۰، ۲۱ شوال ۱۳۱۸ قمرین صص ۱۱-۱۴. هم‌چنین رک: هفته‌نامه کمال، ش ۱۰، س ۳، اول

رمضان ۱۳۲۳ قمری، ص ۴

۷۰- هفته‌نامه چهره‌نما، ش ۹، ۹ رجب ۱۳۲۲ قمری، ص ۱۶.



- ۷۱- هفته‌نامه حکمت، ش ۲۴۴، ۱۹ ذی حجه ۱۳۱۵ قمری، ص ۱.
- ۷۲- هفته‌نامه ثریا، ش ۴۷، ۱۰ جمادی الاول ۱۳۱۷ قمری، ص ۱.
- ۷۳- هفته‌نامه حکمت، ش ۸۷۳، یکم شعبان ۱۳۲۴ قمری، صص ۱-۱۱.
- ۷۴- همان، ص ۲.
- ۷۵- همان، ش ۸۷۹، غره ذی الحجه ۱۳۲۴ قمری، ص ۶
- ۷۶- هفته‌نامه چهره نما، ش ۲۷، س ۳، ۱۰ شعبان ۱۳۲۴ قمری، صص ۳ و ۲.
- ۷۷- از آن جمله رک: هفته‌نامه حکمت، ش ۸۷۹، غره ذی حجه ۱۳۲۴ قمری، ص ۹-۱۲ و همان، ش ۸۹۷، غره شوال ۱۳۲۵ قمری، صص ۷-۱۳.
- و همان، ش ۹۰۳، غره محرم ۱۳۲۶ قمری، صص ۱-۱۳.
- ۷۸- در اصل «جست»
- ۷۹- همان، ش ۸۸۳، نمره صفر ۱۳۲۳ قمری، صص ۱۰ و ۱۱.
- ۸۰- همان، ش ۸۹۵، غره رمضان ۱۳۲۵ قمری، صص ۱۲ و ۱۳.
- ۸۱- از آن جمله: هفته‌نامه چهره نما، ش ۳، س ۵، ۲۰ جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری، صص ۶-۸ و هفته‌نامه حکمت، ش ۸۹۴، ۱۵ شعبان ۱۳۲۵ قمری، صص ۱-۹.
- ۸۲- همان، ش ۸۷۹، غره ذی الحجه ۱۳۲۴ قمری، صص ۷ و ۸.
- ۸۳- همان ش ۹۱۴، ۱۵ جمادی الثاني ۱۳۲۶ قمری، صص ۴ و ۵.
- ۸۴- هفته‌نامه چهره نما، ش ۴، س ۵، ۱۰ جمادی الثاني ۱۳۲۶ قمری، صص ۱ و ۲.
- ۸۵- در این رابطه از جمله می‌توان به شماره‌های ۹۱۴ (مورخ ۱۵ جمادی الثاني ۱۳۲۶ قمری) و ۹۲۴ (مورخ ۱۵ ذی القعدة ۱۳۲۶ قمری) هفته‌نامه حکمت مراجعه کرد.
- ۸۶- هفته‌نامه حکمت، ش ۹۳۵، غره رجب ۱۳۲۷ قمری، ص ۱.
- ۸۷- هفته‌نامه چهره‌نما، ش ۱۰، س ۶، اول رمضان ۱۳۲۷ قمری، ص ۳.
- ۸۸- هفته‌نامه حکمت، ش ۹۴۰، ۱۵ رمضان ۱۳۲۷ قمری، صص ۱ و ۲.